

تبیین شاخص‌های ماندگار مسکن بومی ایران با استفاده از نظریه داده بنیاد*

مرجان نجات‌نژاد مشهدی^۱، خسرو افزلیان^{۲*}، مهدی شیبانی^۳، سید مسلم سیدالحسینی^۴

^۱ دانشجوی دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران
^۲ استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران
^۳ استاد تمام، گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
^۴ دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۴

چکیده

امروزه با زدوده شدن رنگ بومی‌گرایی از مسکن ایرانی، ساخت و سازهایی به چشم می‌خورد که از الگوی سنتی و بومی مسکن فاصله گرفته و بدین ترتیب ارزش‌ها و سنت‌های بومی در مسکن، زیر پا گذاشته شده است. از طرفی، مسکن و محیط‌های مسکونی به عنوان انسانی‌ترین موضوع معماری، تأمین‌کننده نیازهای متنوع انسان‌اند. لذا، پژوهش کیفی حاضر با شناخت حساسیت موضوع مسکن و تنزل کیفی مسکن معاصر، ضرورت پرداخت در این زمینه را با تکیه بر ارزش‌های مفهومی مورد توجه در معماری بومی میسر دانسته و با هدف ارائه شاخص‌های بومی در مسکن با استفاده از رویکرد گلگیری نظریه داده بنیاد انجام شده است. این پژوهش کاربردی، به صورت روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته که برای این منظور نکات کلیدی تعاریف صاحب نظران آشنا به حوزه بومی به صورت هدفمند انتخاب و داده‌ها به صورت همزمان با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA10 به صورت مجموعه‌ای از کدگذاری‌های باز، انتخابی و نظری، تجزیه و تحلیل شده و شاخص‌های ماندگار در معماری مسکن بومی ایران معرفی گردیدند. نتایج و یافته‌ها به شکل مقایسه‌ای نشان می‌دهند که بین مفاهیم انطباق یافته معماری بومی و سنتی و برخی از شاخص‌های مفهومی سنتی رابطه معنادار و به عبارتی همبستگی مثبت وجود دارد که بر این اساس از طریق تطابق مفاهیم سنتی با مفاهیم بومی و مطابقت این دو با شاخص‌های سنتی به شاخص‌های ماندگار بومی دست یافته شد. همچنین، مفاهیم معماری بومی بنا به تعاریف و کارکردشان در چهار بُعد اصلی زمینه‌ای، علی - مفهومی، علی - رفتاری و نمادین دسته‌بندی گردیدند.

واژگان کلیدی: معماری بومی، معماری سنتی، شاخص‌های ماندگار، مسکن بومی، نظریه داده بنیاد.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری مرجان نجات‌نژاد مشهدی با عنوان «معاصر سازی الگوهای ماندگار معماری بومی در راستای بهینه‌سازی مجموعه‌های آپارتمانی در شهر مشهد» است که به راهنمایی دکتر خسرو افزلیان و دکتر مهدی شیبانی و مشاوره دکتر سید مسلم سیدالحسینی در گروه معماری دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد مشهد انجام شده است.

** E-Mail: khosrow.afzalian@gmail.com

مقدمه

به دنبال رشد فزاینده شهرنشینی، مشکلات فراوانی از جمله کمبود مسکن به وجود آمده و انتخاب و تأمین مسکن به یکی از مهم‌ترین مسائل برنامه‌ریزان و نیز مردم تبدیل گشته است. در واقع مسکن به عنوان مأمونی برای انسان و مکانی برای آسایش و آرامش وی (کینگ، ۱۳۹۸: ۳۲) از نخستین مسائلی است که بشر همواره برای برآورده ساختن نیازهای خویش با آن دست به گریبان بوده (کینگ، ۱۳۹۸: ۳۸) ولی متأسفانه در میان سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته به علت غلبه عوامل اقتصادی و همچنین تلفیق برخی عناصر غیر ایرانی در مفاهیم و فضاهای معماری خانه ایرانی، شاخص‌های کیفی مسکن نسبت به بُعد کمی آن مهجور مانده و لذا، بیشترین توجه برنامه‌ریزان، تنها به تأمین صرف مسکن معطوف بوده است.

بر این اساس، امروزه لزوم توجه به بازشناسی اصول و ارزش‌های مسکن بومی و سنتی در شکل‌گیری و طراحی مسکن معاصر، بیش از هر زمان دیگر اهمیت خود را آشکار می‌سازد (مهدوی نژاد و شهری، ۱۳۹۳: ۳۲). چرا که در اکثر موارد، این خانه‌ها برگرفته از الگوهای غربی و بدون رعایت مسائل منطقه‌ای، اقلیمی، نیازهای روانی و عاطفی افراد طراحی می‌شوند و نتیجه آن، تبدیل خانه به خوابگاه و نداشتن آسایش روانی و محیطی در فضااست (Ahmadi & et al, 2013: 3-4). از طرفی، نمی‌توان سنت را به مثابه الگویی زیستی در نظر گرفت اما می‌توان به گفتگویی بهره‌گیرانه با آن روی آورد. بدین ترتیب، دروس ارزشمند از معماری بومی می‌توانند با نیازهای امروزی به‌منظور دستیابی به طرح‌های پایدار ترکیب شده و الگوها، اصول، تجارب و سنت‌های محلی و بومی به عنوان ابزارهای طراحی مورد استفاده قرار گیرند (Patidat, 2014: 8). لذا، با مطرح شدن توجه دوباره به ارزش‌ها و اصول بومی و سنتی در چند دهه اخیر و با نگاهی به وضعیت موجود خانه‌های کشور، با فقدان خانه با معیارها و شاخص‌های بومی و ایرانی روبرو هستیم. مطالعه تحقیقاتی انجام شده در ایران در خصوص موضوع پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که تحقیقاتی مذکور بیشتر بر پایه سیستم‌های ارزیابی کالبدی و پایداری محیطی صورت پذیرفته و از آنجایی که برای تعریف و شناخت ویژگی‌های یک اثر ماندگار، و رای بررسی کالبد مادی نیاز است تا مفاهیم آن را نیز باز شناخت، لذا؛ هدف از این پژوهش تبیین شاخص‌های ماندگار مسکن بومی ایران، در راستای ضرورت نگرش به مفاهیم و تحلیل ویژگی‌های مربوط به خانه‌های سنتی و بومی که تعیین‌کننده شاخص‌های مفهومی مشترکی اند است، که اکنون می‌بایست برای به‌روزرسانی و طراحی بناهای بافت میانی و جدید شهری مد نظر قرار گیرند. از این رو پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به سؤالات زیر است:

۱. شاخص‌های مفهومی ماندگار مسکن بومی گذشته ایران کدامند؟
۲. آیا با انطباق مفاهیم سنتی و بومی، می‌توان به شاخص‌های مفهومی ماندگار در مسکن بومی ایران دست یافت؟

چارچوب نظری

مفهوم مسکن و نگرش‌های آن

به نظر می‌رسد مسکن همیشه در حال تغییر است و ظاهراً پایانی برای این تغییرات وجود ندارد. اما بخش‌های زیادی از آنچه ما مسکن می‌نامیم همچون؛ ماهیت، کارکرد، کاربرد و... در طول زمان بدون تغییر باقی می‌ماند. لذا، بخش‌هایی از مسکن همیشه استمرار داشته و پایان نمی‌پذیرد (کینگ، ۱۳۹۸: ۶۲۶). همچنین با توجه به اینکه مسکن کالایی حیاتی و جزء نیازهای اساسی انسان است می‌توان گفت که انسان به شدت به آن نیاز داشته و این نیاز زمان و مکان نمی‌شناسد (کینگ، ۱۳۹۸: ۶۲۷). لذا، نقش مسکن در تأمین نیازها غیر قابل انکار بوده و فقط به معنای چهار دیواری و مکان مسقف نیست. مسکن باید مکانی برای خواب و استراحت فراهم آورد که در آن مردم احساس امنیت و آرامش کنند و از حریم خصوصی خود مطمئن باشند. بسیاری از این ویژگی‌ها در کنار یکدیگر قرار گرفته و چهار دیواری را به منزل و خانه (مکان آرامش و امنیت) تبدیل می‌کنند (ضرغام‌فرد، ۱۳۹۶). لذا، در مسئله مسکن باید علاوه بر جنبه‌های کمی به جنبه‌های کیفی نیز توجه نموده و مسئله مسکن را در رابطه با مسائل دیگری در نظر بگیریم (توسلی، ۱۳۶۰: ۱۱۵). مقوله مسکن به دلیل دارا بودن ابعاد متنوع و لایه‌های مختلف معنایی، از گستردگی و پیچیدگی خاصی برخوردار است که نیاز به بررسی و تجدید نظر در درک تغییرات معاصر شهری دارد.

مسکن اسم مکان است بر وزن مَفْعَل به معنای محل آرامش و سکونت که از ماده سَکَن به معنی آرامش می‌آید و در اصطلاح به مکانی می‌گویند که انسان در آن زندگی می‌کند. در لغت نامه دهخدا مسکن چنین معنی شده: جای باشش و خانه، منزل و بیت، جای سکونت و مقام و جای آرام (دهخدا، ۱۳۷۷). در دوره‌ای مسکن به عنوان "ماشین زندگی" (لوکوربوزیه) یا "مکان رفع حجاب‌ها" (میس‌ندرروهه) و ... مطرح می‌گردید. در زمانی دیگر، مسکن به عنوان سکنی‌گزیدن و سکونت همراه با تفکر مطرح گردید و انسان را به عنوان موجودی فنا شونده بر روی زمین، زیر آسمان و در پناه قدسیان شناختند (هایدگر، ۱۳۸۱). هایدگر مفهوم سکونت را با رسیدن به آرامش که زمینه رشد و پرورش آدمی است، تعریف می‌کند (Heidegger, 1971: 150-151).

از نظر پیتیر کینگ نیز، واژه مسکن دو کاربرد متفاوت دارد؛ از آن می‌توان هم به عنوان اسم و هم به عنوان فعل استفاده کرد. یعنی مسکن علاوه بر اینکه یک شیء است یک حرفه هم هست. در حقیقت، مسکن فعلیتی است که از سوی افراد انجام می‌شود. لذا می‌توان چنین بیان نمود که، مسکن یک عمل فرآیند محور بوده که در آن افراد مختلف در سطوح مختلف مشارکت دارند (کینگ، ۱۳۹۸: ۲۸-۲۹). از نظر مشکینی و ضرغام‌فرد مسکن گنجینه خاطرات و اسرار بوده که در آن عشق و احساسات جاری است. همچنین کالبدی است که انسان را از دنیای بیرون می‌رهاند و در یک فضای پر از عاطفه، روان و روح او را نوازش می‌کند

(مشکینی و زرغام فرد، ۱۳۹۸). بر این اساس، در جدول زیر برخی از دیدگاه‌های صاحب نظران پیرو مطالعات مسکن مطرح می‌گردد:

جدول شماره ۱: برخی از دیدگاه‌های صاحب نظران در حوزه مطالعات مسکن

صاحب نظر	نگرش
Short (2006)	مسکن عامل جامعه پذیری افراد است
Melnikas (1998)	مسکن مکان زندگی اجتماعی است
UN-ABITAT ((2002)	مسکن به معنای ارتقای کیفیت زندگی است
Torgersen (1987)	مسکن رکن پنهان بهزیستی افراد است
Westaway (2006)	مسکن عامل رضایتمندی اجتماعی است
Bachelard (1994)	مسکن به مثابه بک فضای مانوس است

مسکن بومی

بر پایه رویکردهای بوم شناختی، مسکن مفهومی چند وجهی است که مفاهیمی مانند آسایش، امنیت، شیوه زیست، فرهنگ و هویت، پایگاه اجتماعی ساکنان و ... را در بر می‌گیرد (زندگی، ۱۳۹۳: ۵۸). لذا می‌توان گفت؛ مسکن بومی الگوی خاصی از مسکن است که با ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ساکنان و خصوصیات طبیعی و محیطی مکان مورد نظر تناسب داشته و کیفیت زندگی انسان را بالا برده و هزینه‌های زندگی را کاهش می‌دهد. از آنجایی که این الگو با محیط تناسب دارد، در همه جا یکسان بوده و در ارتباط با هر منطقه شکل می‌گیرد. معماری و شهرسازی سنتی ایران نیز با بهره‌گیری از شرایط و توانایی‌های محیط طبیعی و فرهنگ بومی هر ناحیه جغرافیایی به منظور تأمین آسایش جسمی و روحی انسان شکل گرفته که در این بافت‌ها اثرات محیط طبیعی، ایدئولوژی حاکم، فرهنگ بومی، ساختار، بافت و سیمای شهری نقش بسزایی داشته است (شماعی، ۱۳۸۹: ۹۶).

با مطالعه پژوهش‌های بنیادی که در حوزه معماری سنتی و متعاقب آن مسکن سنتی انجام شده، می‌توان ویژگی‌ها و شاخص‌های اصلی مسکن سنتی را چنین استخراج نمود.

اصول و معیارهای مسکن سنتی از نظر صاحب نظران

از آنجا که تلاش برای تفحص و تجسس عناصر معماری گذشته می‌تواند روزه‌های باشد تا ما را در تفهیم نقاط ضعف و قوت معماری امروزان و تطابق و تضاد آن با ارزش‌های معماری بومی مان یاری کند، در این مجال سعی شده تا عناصر شاخص و مفاهیم مسکن را شناخته و این در حالی است که از دیدگاه دیبا، تداوم بخشی ویژگی‌های معماری سنتی ایران در طراحی معاصر، به منظور حفظ و تکرار اشکال گذشته نبوده و نگاه خلاق و پویا از ضرورت‌های طراحی مدرن است (دیبا، ۱۳۷۸: ۲۱).

جدول شماره ۲: معیارها و اصول معماری و مسکن سنتی از دیدگاه صاحب نظران

موضوع	معیارها، اصول و ویژگی‌ها	صاحب نظر
اصول معماری ایرانی	۱. مردم‌وارپ ۲. درونگرایی ۳. پرهیز از بیهودگی ۴. خودبستگی ۵. نیارش و پیمون	پیرنیا (۱۳۸۶)
معیارهای مسکن مطلوب	۱. توجه به فرهنگ جامعه ۲. فراهم آوردن امکان زندگی اسلامی - ایرانی ۳. امنیت ۴. جامع‌نگری و وحدت‌گرایی ۵. حفظ و تقویت روابط همسایگی ۶. سلسله مراتب ۷. حفظ و ارتقاء توجه به خانواده و روابط خانوادگی ۸. ارجحیت معنویت بر مادیت ۹. ارتباط با طبیعت و همزیستی با آن ۱۰. رعایت عدل و توجه به عدالت اجتماعی ۱۱. زیبایی ۱۲. اصلاح ۱۳. کمال‌گرایی ۱۴. عزت، ۱۵. تذکر دهی ۱۶. تواضع ۱۷. حیا ۱۸. پاکی و طهارت ۱۹. تقوی ۲۰. هویت ۲۱. احتراز از کبر ۲۲. اجتناب از اسراف	نقی زاده (۱۳۷۹)
ویژگی مهم خانه ایرانی	۱. وجود سه نوع فضای باز، بسته و پوشیده ۲. وجود نسبت‌های مشخص در فضاها ۳. رعایت سلسله مرتب از فضای کاملاً خصوصی تا عمومی ۴. امکان زندگی در فضای خصوصی در هر سه فضای باز، بسته و سر پوشیده ۵. انعطاف‌پذیری فضاها و عدم اختصاص به عملکرد مشخص ۶. عدم تسلط اشیاء بر سازمان فضایی خانه ۷. ارتباط قوی با طبیعت و استفاده در همه فضاها.	حائری‌مازندرانی (۱۳۸۸: ۶۲-۶۱)

در بخش پیش‌رو، تلاش شده است تا بر پایه منابع و اسناد، مفهوم شاخص‌های ماندگار ارائه شود تا بتوان در بخش‌های بعد به ارزش‌های فراموش شده معماری بومی از طریق استخراج مفاهیم بومی ایرانی اشاره و بازایی شود.

شاخص‌های ماندگار معماری بومی

مشتاق گوهری معتقد است؛ بیشترین بازآموزی معماری معاصر از معماری بومی می‌تواند در زمینه مفاهیم و شیوه‌های تعامل با چالش‌های محیطی باشد (مشتاق گوهری، ۲۰۱۷).

ماندگاری دو بعد دارد یک بعد آن؛ معنا و مفهوم و بُعد دیگر کالبد آن است. الکساندر در تعریف خود از معماری بومی آن را معماری برگرفته از ذات انسان، جانوران، گیاهان و ... دانسته و آن را ناخودآگاه، ذاتاً درست و ارزشمند می‌داند. وی معتقد است

که اگر آثار مصنوع را از لحاظ طراحی به دو دسته خودآگاه و ناخودآگاه تقسیم کنیم، آثار بدوی و بومی که در زمره ناخودآگاهها قرار می گیرند، ذاتاً «درست» و «ارزشمند» هستند (Steadman, 2008).

لذا بر اساس مفاهیمی که کریستوفر الکساندر از ماندگاری مطرح می کند برای درک شاخص های ماندگار در معماری بومی ایران اصول بنیادینی بررسی شد که برتر از زمان و مکان بوده و پاسخگو به نیازهای برتر انسان در حیطه ارزش های فرهنگی وی و جامعه باشد (الکساندر، ۱۳۸۶). نکته قابل تأمل در نگرش های موجود به الگو در معماری بومی این است که اصل؛ مفهوم یک الگو است نه فرم و شکل آن. بر این اساس، در جدول زیر رویکرد انتخاب الگو در معماری بومی نیز در این تحقیق مشخص شده است:

جدول شماره ۳: رویکردها به معماری بومی

رویکردها به معماری بومی	مفهوم رویکرد	جنبه مطرح از معماری بومی
رویکرد الگویی	استفاده از عینیت موجود معماری بومی	فرم ها، کیفیات فضایی، تکنولوژی ساخت، جنبه های اقلیمی و ...
رویکرد مدلی	استفاده از ساختارهای مفهومی موجود در معماری بومی	جنبه های ساختاری موجود در روابط میان کالبد با اموری مانند ساختار اجتماعی، ویژگی های فرهنگی، فطرت انسانی و ...

مأخذ: نگارندگان برگرفته از Rappoport, 2006

همان طور که از نظر آلپا گونولو، اعمال مقلدانه اعاده شکل بی معنی بوده و بدین جهت وی در جست و جوی اصول بنیادینی است که برتر از زمان و مکان قرار داشته و معتقد است که به جای بریدن از گذشته، نیاز به تداوم گفت و گو و به جای تکرار بدون تفکر صورت های گذشته با رعایت کامل ارزش ها، نیاز به تغییرات آگاهانه ای است که در ساخت پیوسته و تدریجی سرزمین در طول قرن ها به کار رفته باشد (فلامکی، ۱۳۸۴: ۳۷-۳۶).

از طرفی، رابطه معماری بومی و سنتی به طور کلی امری بدیهی فرض می شود اما عدم وجود یک چارچوب ساختار یافته نظری برای ارتباط این دو، کاربرد شاخص های معماری بومی را در معماری معاصر با چالش مواجه کرده است. بر این اساس، دست یافتن به این اصول در ایران نیازمند بررسی ساختار یافته رابطه این دو معماری با یکدیگر است. زیرا، از نظر ناری قمی در ادبیات معماری، واژه های متفاوتی در جهت بیان شیوه هایی از زندگی انسان مشاهده می شود که از بستر سنتی برخاسته اند و امروزه کمتر به چشم می خورند. عنوان هایی چون معماری بومی، ارگانیک، سنتی، مردمی، عامیانه، فُلکُلر، روستایی، خودجوش و ... در جهت بیان این نوع زندگی ذکر شده اند (ناری قمی و دامیار، ۱۳۹۱). همچنین آلسوپ^۱ در کتاب «تئوری مدرن معماری» معماری

بومی را به عنوان شاخه ای از معماری سنتی تعریف می نماید (Allsopp, 1977: 8). در عین حال فلامکی تأکید می کند؛ هر چند پیوندهایی میان این دو وجود دارد اما اصطلاح معماری بومی نباید با آنچه معماری سنتی گفته می شود اشتباه شود (فلامکی، ۱۳۸۴: ۲۸). در این خصوص مطالعاتی صورت پذیرفته است، اما هیچ کدام تا کنون به صورت واضح و دقیق به مؤلفه و شاخص های مفهومی بومی ایران نپرداخته اند، از این رو تلاش گردید در پژوهش حاضر به این شکاف دانش پرداخته شود. بر این اساس، فرضیه تحقیق این است که با توجه به عدم وجود مفاهیم و شاخص های بومی به طور مدون و مشخص می توان از طریق تطابق مفاهیم سنتی با مفاهیم بومی و مطابقت این دو با شاخص های سنتی، شاخص های بومی را باز شناخت. چرا که مفاهیم معماری بومی، اطلاعات با ارزشی در خود نهفته دارند که اگر بتوان آن ها را استخراج نمود، می توانند شیوه ای را در اختیار ما قرار دهند که به واسطه آن مسکن امروزی به گونه ای طراحی گردند که در عین حفظ هویت سنتی و بومی خود، با ویژگی های تکنولوژیکی، فرهنگی و همچنین تنوع نیازهای جامعه پیشرفته معاصر سازگاری داشته باشد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر روش شناسی، به دو بخش عمده تقسیم شده است. در بخش اول اختصاص به استخراج مفاهیم معماری بومی دارد و از رویکرد «نظریه زمینه ای» یا داده بنیاد، که «از رویکردهای راهبرد کیفی» می باشد (گروت و وانگ، ۱۳۹۱: ۱۸۰) استفاده شده و مفاهیم، به طور همزمان در نرم افزار MAXQDA10 برای دریافت خروجی مدل مفاهیم و مؤلفه های معماری بومی نیز کد گذاری شده اند. در بخش دوم به دلیل اینکه نظریه بنیانی، ذاتاً تعمیم پذیری آماری ندارد و دارای تعمیم پذیری مفهومی است برای دقت بیشتر در یافته ها، مفاهیم مستخرج از بخش اول در قالب یک جدول تدوین شده و برای اثبات درستی روابط متغیرهای هر سطر، از ضریب همبستگی کندال^۳ (W) به واسطه تدوین پرسشنامه استفاده گردیده است. اما با توجه به اینکه برای موضوع مورد نظر، پرسشنامه استاندارد وجود ندارد لذا ابزار سنجش این تحقیق، ابزار محقق ساخته است که فاقد اطمینان اند و محقق می بایست از روایی و پایایی آن ها مطمئن شود.

مبانی نظری

روایی و پایایی پرسشنامه

مفاهیم معماری سنتی و بومی و شاخص های سنتی را که منتج از جدول بودند با گروهی از متخصصان مطرح نموده و به طبقه بندی و تدوین پرسش نامه اقدام نموده ایم. روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع کیفی - تحلیلی و پیمایشی بوده و جامعه آماری را در این پژوهش متخصصین و دانش آموختگان رشته معماری تشکیل داده اند که نمونه گیری از میان آن ها به صورت تصادفی ساده با حجم نمونه ۱۱۰ نفر انجام شده و درستی و صحت این تعداد

از نمونه با استفاده از آزمون کرونباخ اثبات گردیده است. در خروجی نرم افزار مقدار ۰/۸۴۷ به دست آمد که نشان دهنده پایایی کلی پرسشنامه می باشد.

جدول شماره ۴: آلفای کرونباخ خروجی نرم افزار

Reliability Statistics	
Cronbach's Alpha	N of Items
847.	23

استخراج شاخص های ماندگار معماری بومی با رویکرد داده بنیاد

الف) یافتن مقولات مفهومی (کدگذاری باز): پس از دستیابی به نکات کلیدی تعاریف صاحب نظران ابتدا به هر یک کدی اختصاص یافت. سپس با توجه به موارد مشابه، به مفاهیمی تقسیم گردید و در نهایت منجر به شکل گیری مفاهیم (کدها) گشت.

جدول شماره ۵: استخراج نکات و داده های معماری بومی از منظر صاحب نظران و کدگذاری

صاحب نظر	شناسه	تعریف (داده)	مشخصه ها
Ar.Rupa & T.Ganguly (2015)	A	A1. معماری عامیانه، بی ادعا و بی تکلف	- عامیانه - بی ادعا و بی تکلف
		A2. گفتگو مداوم بین نسل ها	- تداوم نسلی
		A3. معماری بدون معمار	مردم ساز (مردم محور)، بی نام و نشان
		A4. استفاده از فرم های رایج منطقه و مواد در یک مکان و زمان خاص	- استفاده از فرم های رایج منطقه
		A5. آزمایش نابسامانی های پایدار زمان، از طریق نسل گذشته	نقش نسل گذشته در آزمودن مسائل
Christine Roels (2012)	B	B1. پویایی بین رشته ای که از طریق طیفی از ساختمان های آن تعیین می شود.	توجه به همه جوانب در شکلگیری بناها
Oliver & Bridge (2007)	C	C1. پاسخگو به نیازهای اساسی انسان در تعامل با بستر محیط خود در عین هماهنگی	- پاسخگو به نیازهای اساسی انسان - تعامل و هماهنگی با بستر محیط
		C2. در برگیرنده ارزشها، اقتصاد و انواع زندگی و فرهنگ ها	توجه به همه جوانب (مادی و معنوی)
Lawrance (2006)	D	D1. جوهره معماری پایدار؛ حاصل روابط زیست محیطی، اقتصادی، مادی و اجتماعی	توجه به همه جوانب زیست
		D2. تکامل از طریق روش آزمون و خطا	- تجربی - تکامل
		D3. دارای طرح و ساختار سنتی و نه متأثر از مسایل آکادمیک (وابسته به تجربیات بومی، شرایط محیط اطراف و مواد و مصالح محلی مانند خشت، سنگ و چوب)	- تجربی و سنتی (غیر آکادمیک) - توجه به تجربیات بومی - توجه به شرایط محیط و منطقه
		D4. معماری پویا و متداوم.	- متداوم - پویا
		D5. جای دهنده فعالیت های معمول انسانهای عادی.	- برای انسان های عادی
Bruce Allsopp (1977)	E	E1. زائیده از معماری مردمی (همراه با مردم)	- همراه با مردم
		E2. شکل پیشرفته معماری طبیعی یک خطه معین در ارتباط با آب و هوای فرهنگ و مصالح ساختمانی (همساز با محیط)	- نقش طبیعت در معماری - همساز با محیط
		E3. تعیین حدود تناسب و درستی آن توسط سلیقه و پسند	- نقش سلیقه در زیبایی شناختی
		E4. مقیاس به عنوان عاملی تعیین کننده	- دارای مقیاس
		E5. شایسته ی دوست داشتن	- دوست داشتنی
Paul Oliver (2003)	F	F1. در بطن جوامع	- آمیخته با زندگی مردم
		F2. سازگاری با شرایط اجتماعی، اقلیمی و فناوری در طول زمان	- سازگار با شرایط و محیط - تداوم زمانی
		F3. مرتبط با سرشت و طبیعت انسان و محیط	- ذاتی - سازگار با سرشت محیط
		F4. زبان معماری مردم؛ معماری توسط مردم و نه برای مردم	- نقش مردم در شکلگیری معماری
Roth (2014)	G	G1. یک معماری جانشین، چشمگیر و قابل توجه	- معماری با ارزش و مورد اهمیت
		G2. تجدید حیات از معماری خودی	- متأثر از فرهنگ خودی
		G3. معنایی و سمبلیک با تاثیر از فرهنگ سنتی و الگوهای مذهبی رایج در جامعه	- نقش نمادین مذهب و سنت در بنا
Nader Khalili (1991)	H	H1. احیای سازه های سنتی	- توجه به سازه های سنتی
		H2. توجه به انسان	- توجه به انسان
Adriano Alpago Novelo (2005)	I	I1. فایق آمدن بر زمان با زدودن حشو و زواید	- مسلط بر زمان - بدون حشو و زائده
		I2. تاکید بر ارزش مطلق فضایی با استفاده از ابتدایی ترین اشکال هندسی، رعایت چشم انداز و منظره های پیرامون	- ارزش مطلق فضایی - ابتدایی - ارتباط با طبیعت و محیط
		I2. نداشتن تاریخ تولید یابی زمان بودن اثر	- بی زمانی
		I3. تبلور شخصیت فرد تا حد غایت آن	- نقش شخصیت فرد در معماری
		I4. بی نام و نشان بودن سازندگان آن	- بی نام و نشان بودن سازندگان
I5. مالا مال از زیبایی های فروتن و ناشناس	فروتن		

صاحب نظر	شناسه	تعریف (۵۵)	مشخصه ها
راپاپورت (۱۳۸۸)	J	J1. ارتباط با فرهنگ عمومی (متجلی ارزشهای متغیر، جهانبینی و شیوه زندگی)	- توجه به ارزشها و فرهنگ عامی
		J2. جوابگوی نیازهای قشر عام مردم (ساده و مردمی)	- توجه به تیاژه‌های عموم مردم
		J3. رویارویی صریح ساکنان با وضعیت اقلیمی	- سازگار با وضعیت اقلیمی
Rudofsky (1964)	K	K1. ساختمان‌های سازگار با طبیعت	- سازگاری با طبیعت
		K2. تنوع پذیری	- تنوع پذیری
Hassan Fathi (2003)	L	L1. معماری بومی به عنوان یک «واقعیت» موجود همان زندگی روستایی است.	- زندگی طبیعی و روستایی
کریستوفر الکساندر (۱۳۸۶)	M	M1. برگرفته از ذات انسان، جانوران، گیاهان و موادی که در آن هاست.	- متاثر از ذات موجودات
		M2. ناخودآگاه و ذاتا درست و ارزشمند.	- ذاتی و ناخودآگاه
		M3. تدریجی بودن تکامل آن‌ها.	- تداوم و تکامل تدریجی
فلامکی (۱۳۸۴)	N	N1. هماهنگی در کلیه زمینه‌ها مبتنی برضابطه، رسوم و سلیقه‌های زاده از فرهنگ محیطی و قراردادهای نانوشته ولی زنده.	- هماهنگی در همه زمینه‌ها
		N2. بازتاب سنت‌های منطقه‌ای.	- سنت‌گرا - هماهنگی با منطقه
		N3. تکامل بر اساس پیشینه محیطی، فرهنگی، فناوری و تاریخی.	- سنت‌گرا - تداوم و تکامل
آدریانو آلیاگونولو (۱۳۸۴)	O	O1. شکل‌گیری فرهنگ، از طریق رویارویی انسان با طبیعت.	- رویارویی انسان با طبیعت
		O2. معماری بومی در بر گیرنده شرایط و ویژگی هر محیط است.	- در بر گیرنده شرایط و ویژگی محیط
		O3. معماری بومی به دنبال جواب مناسب به شرایط و نیاز است.	- جواب مناسب به شرایط و نیاز
		O4. تنوع در شکل هندسه و شیوه بکارگیری مصالح بومی یا موجود دیده می‌شود.	- تنوع در هندسه و مصالح
		O5. استفاده از تزیینات برآمده از بطن محیط، فرهنگ مردم منطقه	مرتبط با بطن محیط و فرهنگ مردم
		O6. معماری ورنا کولر معماری عاریتی نیست	- عدم عاریه بودن
		O7. ایجاد حس تعالی و کیفیت احساسی و روحی	- حس تعالی و کمال
		O8. استوار بر شالوده نه یک جریان زودگذر و مد	- ریشه‌ای
		O9. دارای دلپذیرترین شیوهای تناسب، در تقسیم‌بندی سطوح و حجم‌ها	- متناسب
		O10. هماهنگی بادیگرنرها؛ فرش، گلیم، موسیقی و همسویی با رنگ، طرح و...	- جامع و هماهنگ

ب) یافتن ارتباط میان مقوله‌ها (کدگذاری محوری): در این دسته‌بندی و در یک چارچوب نظری با یکدیگر مرتبط شدند. بخش، مفاهیم (کدها) مرتبط با هم، ذیل یک مقوله مشترک

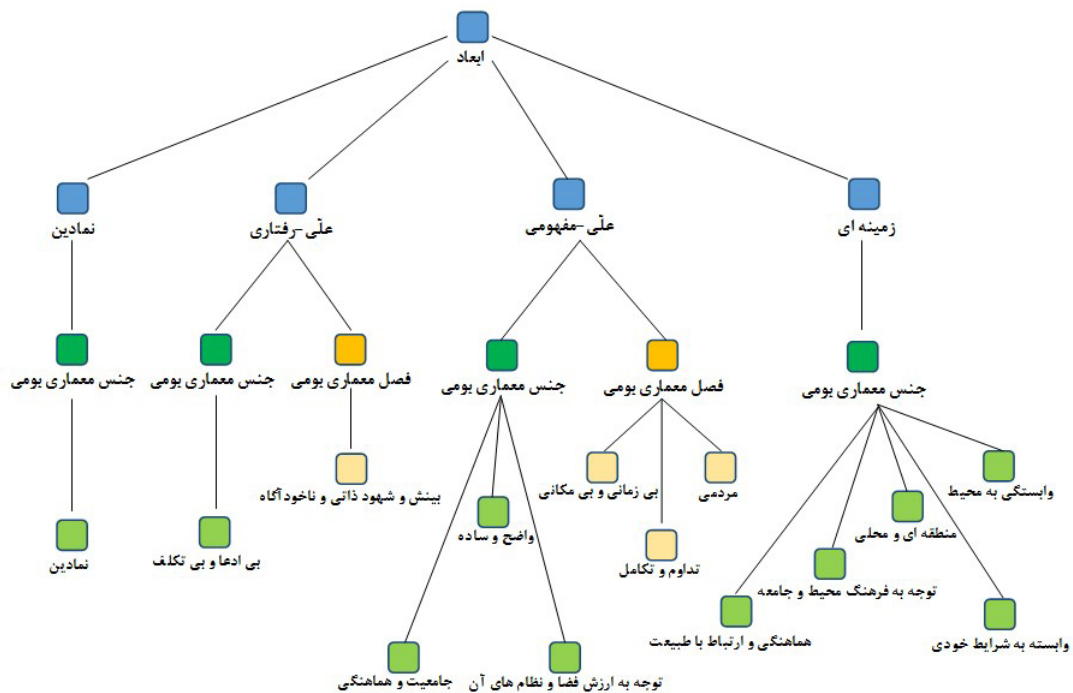
جدول شماره ۶: یافتن ارتباط میان مفاهیم معماری بومی

ابعاد	مقوله	مفاهیم	مشخصه ها	شناسه (کدها)
عوامل علی - مفهومی	اهمیت انسان در معماری بومی؛ (فصل بومی) (اجتماعی)	- مردمی - عامیانه - تجربی	عامیانه+ مردم ساز (مردم محور)+ پاسخگو به نیازهای اساسی انسان+ همراه با مردم+ تجربی+ سنتی (غیر آکادمیک)+ توجه به تجربیات بومی+ برای انسان‌های عادی+ همراه با مردم+ آمیخته با زندگی مردم+ نقش مردم در شکلگیری معماری+ توجه به انسان+ نقش شخصیت فرد در معماری+ بی نام و نشان بودن سازندگان+ توجه به تیاژه‌های عموم مردم+ متاثر از نقش و تجربه مردم	A1+A3+C1+D2+D3+D5+E1+F1+F4+H2+I4+I5+J2+V1+C1+J2
		- تداوم - تکامل	تداوم نسلی+ تکامل+ متداوم و پویا+ تداوم زمانی+ تداوم و تکامل تدریجی+ نقش تجربه و آزمون و خطا در تکامل+ تداوم و تکامل+ نقش تاریخ در تداوم معماری	A2+D2+D4+F2+N2 M3+N3+O7+
	جنس معماری بومی کالبدی - مفهومی	- بی زمانی و بی مکانی	مسلط بر زمان+ بی زمانی	I1+ I3
		- ساده	بدون حشو و زائده+ ابتدایی	I1+ I2
		- توجه به ارزش فضا و نظام‌های آن	ارزش مطلق فضایی	I2
		- جامعیت و هماهنگی در همه زمینه‌ها	پویا+ نقش سلیقه در زیبایی‌شناختی+ دارای مقیاس+ دوست‌داشتنی+ معماری با ارزش و مورد اهمیت+ تنوع پذیری+ جواب مناسب به شرایط و نیاز+ تنوع در هندسه و مصالح+ حس تعالی و کمال+ کمال+ متناسب توجه به همه جوانب در شکلگیری بناها+ توجه به همه جوانب (مادی و معنوی)+ توجه به همه جوانب زیست+ هماهنگی در همه زمینه‌ها+ جامع و هماهنگ	D4+E3+E4+E5+G1+K2+O3+O4+O7+O14+O12 B1+C2+D1+ N1+O13

ابعاد	مقوله	مفاهیم	مشخصه‌ها	شناسه (کدها)
عوامل علی-رفتاری	فصل معماری بومی (روانی)	- ذاتی - ناخودآگاه	ذاتی+ متأثر از سرشت لایتهای+ متأثر از بینش و شهود+ متأثر از ذات موجودات+ ذاتی و ناخودآگاه	F3+N3+P1+M1+ M2
	اهمیت تواضع؛ جنس معماری بومی	- بی ادعا و بی تکلف (متواضع)	بی ادعا و بی تکلف+ معماری بی نام و نشان+ بی نام و نشان بودن سازندگان+ فروتن	A1+A3+I5+ I6
عوامل زمینه‌ای	جنس معماری بومی محیطی- اجتماعی	- منطقه ای و محلی - وابستگی به محیط - وابسته به شرایط خودی	استفاده از فرم‌های رایج منطقه+ تعامل و هماهنگی با بستر محیط+ توجه به تجربیات بومی+ توجه به شرایط محیط و منطقه+ همساز با محیط+ متأثر از فرهنگ خودی+ سازگار با وضعیت اقلیمی+نقش محیط و انسانهای محلی در بنا+ در بر گیرنده شرایط و ویژگی محیط+ عدم عاریه بودن	A4+C1+D3+ E2+G2+ J3+ N2+O2+O6
		- سنت گرا - هماهنگ با فرهنگ محیطی	نقش نسل گذشته در آزمودن مسائل+ آمیخته با زندگی مردم+ سازگار با شرایط و محیط+ سازگار با سرشت محیط+ توجه به سازه‌های سنتی+ توجه به ارزشها و فرهنگ عامی+ نماد و بازتاب شیوه زندگی+ نقش تاریخ در تداوم معماری+ اعتبار تاریخی و سنتی+ سنت گرا+ هماهنگ با منطقه+ مرتبط با بطن محیط و فرهنگ مردم+ ریشه ای	A5+D2+D3+ F1+F2+F3 H1+J1+N1++ N2+N4+N2+ N3+O5+O11
		- هماهنگی و ارتباط با طبیعت	نقش طبیعت در معماری+ ارتباط با طبیعت و محیط+ سازگاری با طبیعت+ زندگی طبیعی و روستایی+ نقش طبیعت در شکلگیری مصنوعات+ رویارویی انسان با طبیعت	E2+I2+K1+ L1+ R1+X1
عوامل نمادین		- معنایی - نمادین	نقش نمادین مذهب و سنت در بنا+ نماد و بازتاب شیوه زندگی	G3+N1

تنها به مفاهیم ذاتی «جنس» و «فصل» اکتفا نموده‌ایم. جنس؛ مفهومی کلی است که بیانگر بخشی از حقیقت شیء و اعم از آن است؛ مانند مفهوم کلی حیوان نسبت به انسان و شتر و فصل؛ کلیتی ذاتی است که یک نوع را از سایر انواع داخل در یک جنس متمایز می‌کند، مانند ناطق که در جنس حیوان موجب تمیز انسان از سایر انواع حیوان است.

با توجه به اینکه در این بخش هدف؛ دسته‌بندی مفاهیم معماری بومی است به سراغ کلیات پنجگانه (خمس) رفتم که یکی از مباحث منطق صوری بوده و به موضوع «مفهوم» و «مصادق» می‌پردازد و در دو بخش مفهوم کلی، ذاتی و عرضی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. لذا، قابل ذکر است با توجه به اینکه در این تحقیق تمامی مفاهیم، مستخرج از ویژگی‌های ذاتی معماری بومی از منظر نظریه پردازان است.



نمودار شماره ۱: مدل اولیه استخراج مفاهیم و مولفه‌های معماری بومی برای دست یابی به الگوهای ماندگار مسکن بومی ایران

ج) مفهوم‌سازی و گزارش این ارتباطات (کدگذاری انتخابی):
با پایان یافتن کدگذاری محوری، قدم بعدی کدگذاری انتخابی است که از تلفیق و توأم کردن طبقات اصلی پدید می‌آید و برای شکل‌گیری اولیه چارچوب مدل مورد استفاده قرار می‌گیرد. این کار نیز با توجه به ذهنیت کلی مدل و رهیافتی که مبتنی بر استخراج مفاهیم الگوهای ماندگار بومی ایران است، شکل

گرفت. بدین ترتیب در این بخش مفاهیم (کدها) مرتبط با هم در معماری بومی ذیل یک مقوله مرتبط با آن مفهوم در معماری سنتی، به جهت یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌ها دسته‌بندی شد. سپس برای شکل‌گیری مدل، مقولات در یک چارچوب نظری تحت عنوان مولفه الگوهای مفهومی در مسکن با یکدیگر مرتبط شدند.

جدول شماره ۷. دسته‌بندی مفاهیم مرتبط با مسکن در ارتباط با مفاهیم معماری بومی و سستی برای استخراج الگوهای ماندگار در معماری بومی ایران

نوع شاخص	شاخص‌های (مفهومی) ماندگار در مسکن بومی ایران components	نیازهای فرا زمان - مکان انسانی	ارزش‌ها	مفاهیم مرتبط با مسکن ایرانی از دیدگاه صاحب نظران	مفاهیم در: معماری سنتی	مفاهیم در: معماری بومی	مقوله (تأثیرات مفهومی)	ابعاد Dimensions	مولفه	عرصه
کارکردی - مفهومی	- مردم‌واری - محرمیت - درونگرایی	- احساس شخصیت - آرامش ^۷ - هویت - امنیت - خلوت و قلمرو	- تعاون و وحدت اجتماعی - تکریم مهمان و صلح‌ارحام - روابط همسایگی - اهمیت به؛ خانواده، خویشاوندی، مقولات انتزاعی چون دین مشترک، قومیت و دیدگاه سیاسی	- حفظ و ارتقاء توجه به خانواده و روابط خانوادگی			کابلی - اجتماعی	زمین‌بانی	اساسی	مسکن بومی
	- مردم‌واری	- حس تعلق	- سازگاری - عزت	- حفظ و تقویت روابط همسایگی						
	- مردم‌واری	- هویت	- قناعت (پرهیز از اسراف) - میانه‌روی (تعادل و توازن) - تقابل با مدو مصرف‌گرایی - هماهنگی	- توجه به فرهنگ جامعه						
	- پرهیز از بیهودگی - جامع‌نگری - وحدت‌گرایی	- امنیت - خلوت و قلمرو - هویت - حس تعلق	- زیبایی، سادگی و نظم - تأکید بر هویت ملی و وحدت اجتماعی - یگانگی و مرکزیت خدا - احترام از خودنمایی و فردگرایی و همشکلی با بیگانه	- رعایت عدل و توجه به عدالت اجتماعی (تعادل، هماهنگی، تجانس، توازن و ...) - وحدت در کثرت	- توجه به ارزش، باور و هنجارهای جامعه	- توجه به فرهنگ محیط و جامعه - سنت‌گرا				
کارکردی - رفتاری (فردی - اجتماعی)	- محرمیت - درونگرایی	- ایمنی و امنیت - آرامش - خلوت و حس قلمرو	- پوشش و حجاب - اهمیت و توجه به درون - حرمت زندگی شخصی افراد ^{۱۰} - آرامش و آسایش - سازگاری با محیط پیرامون	بارعایت سلسله مراتب؛ - درونگرایی			روانی - کابلی			
کارکردی - مفهومی	- وحدت‌گرایی - پرهیز از بیهودگی	- انعطاف‌پذیری - آرامش - حس تعلق	- پس‌نگری ^{۱۱} - سازگاری - قناعت (پرهیز از اسراف)؛ - رعایت عدل و تعادل - مشاهده و احساس منظر، چشم‌انداز و اشکال زیبا - دوری از ریا و فریب	- پرهیز از بیهودگی - خودبستگی		- انطباق محیطی - یکپارچگی و هماهنگی با محیط	محیطی			
	- خودبستگی	- هویت ^{۱۲} - احساس شخصیت	- امیدواری، تلاش، پشتکار، عزت، سازگاری.	- خودبستگی - کمال‌گرایی	- خودبستگی	- وابسته به شرایط خودی	استقامتی			

نوع شاخص	شاخص‌های ماندگار در مسکن بومی ایران components	نیازهای فرا زمان - مکان انسانی	ارزش‌ها	مفاهیم مرتبط با مسکن ایرانی از دیدگاه صاحب نظران	مفاهیم در: معماری سنتی	مفاهیم در: معماری بومی	مقاله (تأثیرات مفاهیم)	ابعاد Dimensions	مولفه	عرصه
کارکردی - رفتاری	- پیوند با طبیعت (توجه به اقلیم و آسایش و امنیت زیست‌اقلیمی) - مردم‌واری	- ارتباط با طبیعت - آرامش	- هم‌نشینی با آب - پرورندگی نور - اهمیت اقلیم و حیاط - حس احترام به طبیعت - ارتباط انسان با عالم وجود - بر آوردن نیاز روحی و احساسی	- ارتباط و همزیستی با طبیعت - کمال‌گرایی	- پیوند معماری با طبیعت	- هماهنگی و ارتباط با طبیعت	محیطی - اجتماعی	زمینهای		
	- پرهیز از بیهودگی - خودبسندگی	- انعطاف‌پذیری	- قناعت (پرهیز از اسراف) - سازگاری							
کارکردی - مفهومی	- جامع‌نگری - وحدت‌گرایی	- انعطاف‌پذیری - آرامش - احساس شخصیت	- معماری چندبنيانی - تقارن - صراحت و سلاست - تنوع و هماهنگی - شباهت کل و جزء - نفاست و ظرافت	- جامع‌نگری و وحدت - تعادل (س.ن.ت) - وحدت و کثرت	- تعادل موزون، توازن حساس - توازن و تعادل	- جامعیت و هماهنگی (رعایت اصول پایه زیبایی‌شنختی معماری) - کارایی	کالبدی - مفهومی	علی - مفهومی		
	- پرهیز از بیهودگی	- انعطاف‌پذیری - تطبیق‌پذیری ^{۱۴} (جابجایی فصلی و روزانه)	- حفظ سرزندگی - قابل‌شناسایی بودن برای ساکنین خود	- گونه‌گونی و یکنواختی	- اتحاد زیبایی و سودمندی					
رفتاری - مفهومی	- مردم‌واری	- احساس شخصیت	- افزایش دوام و کیفیت زندگی - تعامل میان فضا و جامعه	- چند کارکردی بودن فضاها و عناصر (انعطاف‌پذیری)	- مردم‌واری	- عامیانه - مردمی	اجتماعی		انسلی	مسکن بومی
کارکردی - مفهومی	- پرهیز از بیهودگی - خودبسندگی	- هویت	- سهل و ممتنع - قناعت و صرفه‌جویی - دوری از ریا و فریب	- مردم‌واری	- مردم‌واری	- واضح و ساده	مفهومی محیطی			
	- پیوند با طبیعت	- ارتباط با طبیعت	- حس احترام به طبیعت	- پرهیز از بیهودگی						
کالبدی - مفهومی	- جامع‌نگری - وحدت‌گرایی - تداوم و تکامل	- انعطاف‌پذیری - هویت	- سازگاری - تداوم و تمایز حیات مادی و معنوی انسان			- وفاداری به حقیقتی ازلی همراه با آمادگی برای پذیرش تغییر نیازها و شرایط	مفهومی کالبدی	علی - مفهومی		
	- خودبسندگی - پیوند با طبیعت	- انعطاف‌پذیری	- سازگاری - مستور شدن مادیات توسط معنویات	- کمال‌گرایی	- شفافیت و تداوم - کمال	- تداوم - تکامل				
	- جامع‌نگری - وحدت‌گرایی - پرهیز از بیهودگی - مردم‌واری - محرمیت - درونگرایی	- حس تعلق - خلوت و حس قلمرو	- نظم	- سلسله‌مراتب	- نظام‌های فضایی مثبت	- توجه به ارزش فضا و نظام‌های آن	مفهومی - کالبدی			

نوع شاخص	شاخص های (مفهومی) ماندگار در مسکن بومی ایران components	نیازهای فرا زمان - مکان انسانی	ارزش ها	مفاهیم مرتبط با مسکن ایرانی از دیدگاه صاحب نظران	مفاهیم در؛ معماری سنتی	مفاهیم در؛ معماری بومی	مقوله (تأثیرات مفهومی)	ابعاد Dimensions	مولفه	عرصه
رفتاری - مفهومی	- درونگرایی - پیوند با طبیعت	- آرامش	- وقار و اعتدال - پرهیز از خودنمایی - احتراز از کبر	- تواضع - تذکردهی (نقی زاده) - ارجحیت معنویت بر مادیت	- اعتدال و متانت	- بی ادعا و بی تکلف (متواضع)	روانی	علی - رفتاری	انسائی	مسکن بومی
	- خودبستگی	- هویت								
	- جامع نگری و وحدت گرایی	- هویت								
کالبدی - مفهومی	- نمادگرایی و رمزپردازی	- هویت	- توکل و اطاعت	- ابهام و ابهام	- بینش نمادین - الگوی مثالی بهشت - نمادگرایی و رمزپردازی و راز و ابهام	- معنایی - نمادین	روانی - مفهومی	نمادین		

مأخذ: مطالعات نگارندگان برگرفته از هدایت نژاد، ۱۳۷۵؛ حسین زاده و همکاران، ۱۳۹۲؛ دیبا، ۱۳۷۸؛ پیرنیا، ۱۳۸۶؛ نصر، ۱۳۷۵؛ اردلان، ۱۳۷۴؛ نقی زاده، ۱۳۷۹ و نقره کار و همکاران، ۱۳۸۸

واری (۰/۸۸۹ می باشد که نشان دهنده همبستگی بالا و مثبت میان دو متغیر است. همچنین با توجه به مقدار مشخص است که فرض صفر عدم همبستگی میان دو متغیر در سطح معنی داری ۰/۰۵ رد می شود. به عبارت دیگر با ۰/۹۵ اطمینان می توان نتیجه گرفت که همبستگی میان دو متغیر صفر نبوده چرا که اگر مقدار sig کمتر از ۰/۰۵ باشد فرض عدم همبستگی میان دو متغیر رد می شود.

جدول شماره ۹: ضرایب همبستگی کندال برای حجم نمونه ۱۱۰ نفر

سطح معنی داری (Sig)	مقدار ضریب همبستگی**	متغیرها	
		شاخص های (مفهومی مسکن)	معیار (مفاهیم معماری سنتی و بومی)
.000	.889	مردم واری	توجه به ارزش، باور و هنجارهای جامعه
.002	.71	جامع نگری	
.000	.825	وحدت گرایی	
.001	.736	محرمیت	
.000	.73	درونگرایی	
.003	.818	پرهیز از بیهودگی	انطباق محیطی
.005	.779	وحدت گرایی	
.019	.736	خودبستگی (وابسته شرایط خود)	هماهنگی و پیوند با طبیعت
.000	.861	مردم واری	
.001	.784	پرهیز از بیهودگی	
.000	.79	خودبستگی	جامعیت و هماهنگی
.000	.941	پیوند با طبیعت	
.031	.775	جامع نگری	
.005	.779	وحدت گرایی	عامیانه
.003	.822	مردم واری	
.005	.801	پیوند با طبیعت	
.003	.881	درونگرایی	بی ادعا
.005	.801	خودبستگی	

اکنون برای حصول اطمینان از درستی نتایج (شاخص منتج از هر مفهوم)، با استفاده از پرسشنامه های موجود (که بر اساس طیف ۵ تایی لیکرت طراحی شده) و روش آماری انتخاب شده، همبستگی میان کلیه متغیرها در هر سطر، دو به دو بررسی گردید تا ارتباط میان مفاهیم و شاخص های مفهومی معلوم شود. لذا، با توجه به هدف ما در این پژوهش برای دستیابی به همبستگی های مثبت، از آوردن نتایج همبستگی های منفی خودداری شده است. لذا در این بخش، قسمتی از روش محاسبه همبستگی میان متغیرها (جدول ۹) نشان داده شده و قابل ذکر است که تمامی این مراحل برای دیگر متغیرها، دو به دو تکرار شده و خروجی های مورد نیاز از تمامی جداول در جدول شماره ۹ درج گردیده است.

جدول شماره ۸: Correlations

		مردم واری	توجه به ارزش، باور و هنجار جامعه
مردم واری	Kendall's tau_b	1	.889**
	Sig. 2-tailed		.000
	N	110	110
توجه به ارزش، باور و هنجارهای جامعه	Pearson Correlation	.889**	1
	Sig. 2-tailed	.000	
	N	110	110

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed)

نتایج به دست آمده از جدول ۹ نشان می دهد که میزان همبستگی میان دو متغیر (توجه به ارزش، باور و هنجارهای جامعه) و متغیر (مردم

شود که این سخن نه به معنای تکرار کالبد گذشته بلکه به معنای دریافت اصول و یافتن تفاسیر مناسب عصر حاضر از آن‌ها است (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۳).

بدین ترتیب، در این پژوهش تلاش گردید طرحی ارائه و تحلیل شود تا با توجه به مفاهیم سنتی و بومی، به نوعی به این چالش مطرح در معماری معاصر ایران پاسخ داده شود. بر این اساس شاخص‌های مفهومی مسکن یکی از مناسب‌ترین ابزارهای اندازه‌گیری بومی‌گرایی محسوب می‌گردند. چرا که لزوماً ادغام معماری سنتی و مدرن باید از طریق مفاهیم صورت گیرد. مفاهیمی که در تمام طول تاریخ معماری ایران پایدار بوده و در روح بناها وجود داشته‌اند. سلسله مراتب، حریمیت و درون‌گرایی و... از جمله این مفاهیم هستند (جعفری و ایمان‌طلب، ۱۳۹۵).

بررسی منابع و مطالعات موجود با رویکرد نظریه داده بنیاد متنی، نشان داد شاخص‌های یاد شده در مورد مسکن بومی شامل نه شاخص کلی؛ حریمیت، درون‌گرایی، پرهیز از بیهودگی، مردم‌واری، ارتباط با طبیعت، جامع‌نگری و وحدت‌گرایی، خودبسندگی، معنایی - نمادین و تداوم و تکامل هستند که این مفاهیم بومی در چهار بُعد اصلی زمینه‌ای، علی - مفهومی، علی - رفتاری و نمادین قابل دسته‌بندی‌اند و هر کدام از این ابعاد در دسته‌های جزئی‌تر مقولات و مفاهیم جای می‌گیرند.

در بُعد زمینه‌ای معماری بومی، مفاهیمی همچون؛ هماهنگی با فرهنگ محیطی و سنت‌گرایی، هماهنگی و ارتباط با طبیعت و وابستگی به محیط، منطقه و شرایط خودی مطرح‌اند که مجموعه این مفاهیم را می‌توان به عنوان بخشی از حقیقت معماری بومی و اعم از آن، در مقوله جنس معماری بومی جای داد. چرا که از نظر تلخابی (شهرسازی سنتی یا بومی به عنوان مقوله‌ای در احترام به طبیعت و خلوص اندیشه، در هر منطقه جغرافیایی مورد بحث بوده و هست (تلخابی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۲).

همچنین مفاهیم دیگری همچون وضوح و سادگی، بی‌ادعایی و تواضع و توجه به ارزش‌های فضایی نیز در همین مقوله و در ابعاد علی - مفهومی و علی - رفتاری جای می‌گیرند چرا که این مفاهیم در انواع دیگری از معماری همچون؛ سنتی، ارگانیک و... قابل درک و برداشت می‌باشند. اما در مجموع می‌توان چنین عنوان نمود که مفاهیم؛ مردمی و عامیانه بودن، تداوم و تکامل، بی‌زمانی و بی‌مکانی، و ذاتی و ناخودآگاهی در معماری بومی به علت ذاتی بودن در معماری بومی و متمایز نمودن آن از سایر انواع معماری، به عنوان فصل معماری بومی و یا به بیانی ساده‌تر، ویژگی لاینفک آن محسوب می‌گردند که این عوامل می‌توانند از مشخصه‌های اصلی الگوهای ماندگار معماری بومی به شمار آیند.

در عرصه مسکن بومی با رویکرد انسانی و در ابعاد گوناگون، با توجه به تعاریف مطروحه که معماری بومی را زیر مجموعه معماری سنتی می‌داند و اهمیتی که ارتباط تنگاتنگ مفاهیم این دو معماری با هم در ایران دارند مفاهیمی در معماری بومی و سنتی با یکدیگر تطابق داشته که این مفاهیم ذیل یک مقوله کلی‌تر تحت عنوان مقوله تأثیرات، جای می‌گیرند. همچنین بین

سطح معنی داری (Sig)	مقدار ضریب همبستگی*	متغیرها	
		معیار (مفاهیم معماری سنتی و بومی)	شاخص (شاخص‌های مفهومی مسکن)
.000	.871	وضوح	پیوند با طبیعت
.004	.809		پرهیز از بیهودگی
.004	.829		خودبسندگی
.001	.887	بی‌زمانی و بی‌مکانی	تداوم و تکامل
.007	.725		جامع‌نگری
.002	.843	تکامل	تداوم
.021	.814		جامع‌نگری
.033	.891		وحدت‌گرایی
.009	.889	توجه به ارزش‌ها	جامع‌نگری
.015	.880		وحدت‌گرایی
.042	.882		حریمیت
.006	.953	بینش و شهود ذاتی	درون‌گرایی
.048	.823		جامع‌نگری
.009	.717		وحدت‌گرایی
.000	.953	نمادین	تداوم
.006	.761		وحدت‌گرایی
.027	.702		نمادگرایی

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed)

بحث در یافته‌های پژوهش

در گذشته هر یک از سبک‌های تاریخی معماری، با وجود این که در زمان پیدایش خود جدید بوده است اما در هماهنگی کامل با بستر و زمینه خود قرار داشته‌اند. در واقع معماران ما، رنج ارتباط دادن میان بناهای دوره خود با دوره‌های پیشین را به جان می‌کشیدند تا به لحاظ بصری سیمایی منسجم و همگون به چهره شهر بخشند (کلاتری خلیل‌آباد و همکاران، ۱۳۹۸: ۶). بر این اساس، امروزه برای ما ایرانیان که هنوز در کنار سبک زندگی مدرن، عناصری از سبک زندگی سنتی و بومی را تجربه می‌کنیم توجه به زیبایی‌ها و نکات مهم و با ارزش زندگی گذشتگان و حفظ آن‌ها برای رسیدن به یک زندگی بهتر و سالم‌تر در آینده بسیار ضروری است. لذا، معماری بومی با آن که در طول تاریخ دستخوش پدیده‌های دگرگون‌کننده بوده ولی توانسته هویت ویژه خود را حفظ کرده و نمایانگر آداب و رسوم مردم باشد (دادخواه، ۱۳۸۴: ۹۸). اما، با توجه به این که طراحی بومی برای هر منطقه بسته به اقلیم، فرهنگ و عوامل دیگر، متفاوت است تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری برای طراحی بناهای بوم‌گرا در کشورهای مختلف جهان صورت پذیرفته که اکثر آنها با توجه به شرایط خاص اقلیمی و جغرافیایی منطقه بوده و بدین سبب به موضوع پایداری پرداخته‌اند. تعدادی نیز به تحلیل الگوهای خاص از زیست و سکونت و تغییر شیوه‌های آن پرداخته و حضور عناصر کالبدی معماری سنتی در محیط زندگی را به عنوان بخشی از خاطره انسان بومی، سبب ایجاد حس تعلق به فضا و آرامش او می‌دانند. لذا در این تحقیق، ضمن توجه به نیازمندی‌های رفاهی انسان معاصر سعی شده تا ویژگی‌های مفهومی و اصول ارزشمند معماری سنتی و بومی نیز بکارگرفته

معیارها که همان مفاهیم انطباق یافته معماری بومی و سنتی اند و برخی از شاخص‌ها (مؤلفه الگوهای مفهومی) رابطه معنادار و به عبارتی همبستگی مثبت پیدا شد. به عنوان مثال میان انطباق محیطی و پرهیز از بیهودگی و وحدت گرایی رابطه مثبت وجود دارد و این بدان معناست که در صورت منطبق شدن با محیط اطراف می‌توان با محیط به وحدت و یکپارچگی رسید و دیگر به سراغ امور غیر ضروری و بیهوده برای طراحی نرفت. اما با توجه به این که در برخی موارد، برای یک شاخص چند معیار وجود دارد عدد ضریب همبستگی می‌تواند مشخص کننده اولویت معیار برای آن شاخص باشد که در مثال فوق الذکر عدد پرهیز از بیهودگی ۰٫۸۱۸، و عدد وحدت گرایی ۰٫۷۷۹ می‌باشد که نشان دهنده این است؛ پرهیز از بیهودگی در اولویت بالاتری قرار داشته و می‌تواند به عنوان مؤلفه الگوی مفهومی برای مفهوم انطباق محیطی مطرح گردد.

نتیجه گیری

بر اساس مطالعات انجام شده و به رغم تلاش‌های پراکنده‌ای که برای بکارگیری الگوهای سنتی و بومی در برخی از خانه‌ها صورت گرفته، به علت عدم وجود معیارهای مدون و مفهومی بومی، آمادگی بومی‌گرایی خانه‌های کشور در مراحل بسیار ابتدایی خود قرار دارد و این باعث شده که امروزه خانه‌هایی را در ایران مشاهده کنیم که در واقعیت، معیارهای استاندارد و شرایط لازم در این زمینه را نداشته و تنها از الگوهای کالبدی و شکلی که دوام و عمق چندانی هم ندارند، پیروی می‌کنند. لذا یکی از مهمترین راهکارهای بازساخت ارزش‌های بومی ایرانی رجوع به مؤلفه‌های سازنده معماری (شاخص‌های مفهومی) در نقاطی از کشور است که علیرغم گذشت زمان و استیلای عمومی نوگرایی (مدرنیسم) همچنان بخش اعظمی از ساختار سنتی خود را حفظ نموده و به نسل‌های جدید انتقال داده‌اند.

بر این اساس، نتایج حاصل از این پژوهش در درجه اول شاخص‌های بومی را معرفی می‌کند که بنمایه تجربه گذشتگان در این حوزه بوده و می‌تواند با توجه به ارزش و امتیاز خود همچون سرمایه‌ای در برنامه‌ریزی مربوط به طراحی مسکن معاصر، مورد استفاده قرار گیرند و در درجه دوم معرف معیارهای اصلی آن‌ها در رابطه با به کارگیری در خانه‌های سنتی و بالتبع آن، امروزی می‌باشد. لذا معیارهای به دست آمده در این پژوهش می‌تواند با توجه به سبک زندگی، نیازهای انسانی و جامعه معاصر به عنوان مبانی کلی و پایه‌ای در برنامه‌ریزی، طراحی، ساخت و اجرای مسکن امروز مورد استفاده قرار گیرند.

نتایج نشان داد که بین مفاهیم انطباق یافته معماری بومی و سنتی و برخی از شاخص‌های مفهومی سنتی رابطه معنادار و به عبارتی همبستگی مثبت وجود دارد که بر این اساس از طریق مفاهیم سنتی و الگوهای آن به مفاهیم و شاخص‌های ماندگار بومی دست یافته شد. همچنین؛ مفاهیم معماری بومی بنا به تعاریف و

کارکردشان در چهار بُعد اصلی زمینه‌ای، علی - مفهومی، علی - رفتاری و نمادین دسته‌بندی گردیدند.

لذا، توصیه می‌گردد که نقش مقوله‌های مختلف در طراحی خانه‌های امروزی، مورد نظر قرار گیرد که توجه ویژه به نیازهای انسانی به عنوان متغیرهای زمینه ساز و همچنین عوامل محدود کننده زمان و مکان به عنوان متغیرهای بازدارنده می‌تواند بومی‌گرایی در مسکن را ارتقاء داده و نتایج رضایت بخشی را ایجاد نماید.

پی نوشت

۱. Allsopp

۲. این روش با استفاده از جمع‌آوری سیستماتیک و منظم داده‌ها و توسعه روش‌ها به شکل قیاسی و بنیانی در ارتباط با یکدیگر بکار می‌رود. بنابراین، در پی آزمون زمینه‌ها و رسیدن به درستی و یا نادرستی نظریه نیست، بلکه خود نظریه‌ساز است.

۳. در تحلیل‌های چند متغیره آماری، شیوه‌های مختلف محاسباتی برای اندازه‌گیری وابستگی یا ارتباط بین دو متغیر تصادفی وجود دارد. در مطالعه پیش رو با توجه به اینکه متغیرهای مورد بررسی کیفی هستند از ضریب همبستگی کندال استفاده می‌شود.

۴. Open coding، پدید آوردن مفاهیم و ویژگی‌های آن‌ها

۵. Axial coding، برقراری ارتباط بین مفاهیم

۶. Selective coding، یکپارچه سازی و بهبود مفاهیم

۷. دین اسلام در پی ایجاد راه کارهایی جهت زندگی بهتر و سعادت مندتر انسان است و به وجود مسئله‌ی محرمیت و حریم در خانه‌ی انسان تأکید می‌کند و آن را لازمه‌ی رسیدن به آرامش و امنیت میدانند (نقره‌کار، ۱۳۸۸).
۸. اگر معمار، خانه را چنان بسازد که همسایه از حال همسایه خبر نداشته باشد، آن خانه مردم وار نیست.

۹. سلسله مراتب در جهت حفظ محرمیت باعث شده است که بین اجزاء یا جزء فضاها نیز این اصول رعایت شود تا کارکرد فضاهای ورودی به بهترین شکل ممکن صورت پذیرد.

۱۰. طیبی، ۱۳۸۶

۱۱. تغییر عادات بد، پرهیز کردن از چیزهای غیر ضروری که کارایی را پایین می‌آورد.

۱۲. هویت شامل؛ خودباوری، استقلال و عزت شده و در واقع رابطه «این همان» انسان با آثارش است.

۱۳. در طراحی مسکن انعطاف پذیر، تغییر پذیری به افزایش و کاهش کمی یا تفکیک و تجمیع فضاها و امکان بازگشت به طراحی اولیه واحد مسکونی پس از گسترش یا تقلیل مساحت آن گفته می‌شود. در این مورد انعطاف پذیری به معنای قابلیت پاسخ به رشد خانوار در مراحل مختلف زندگی است (عینی‌فر، ۱۳۸۲: ۶۹).

۱۴. تطبیق پذیری، قابلیت هماهنگ شدن یک فضا با شرایط جدید مورد نیاز است. در عمل تطبیق پذیری تمام تغییرات داخلی از قبیل تغییر شخصیت و ساختار، عناصر خرد و ترکیب فضاها را شامل می‌شود (عینی‌فر، ۱۳۸۲: ۶۸). طراحی تطبیق پذیر طراحی است که بدون نیاز به تغییرات کالبدی، الگوهای جاری رفتار را در زمان‌های مختلف تأمین کند. (جان لنگ، ۱۳۸۶).

۱۵. تنوع پذیری قابلیت فراهم آوردن استفاده‌های مختلف از فضا است. این گونه انعطاف پذیری با دو متغیر فضا و زمان سرو کار دارد. فضای واحد مسکونی می‌تواند برای چند عملکرد به طور همزمان، و برای عملکردهای مختلف در زمان‌های مختلف استفاده شود (عینی‌فر، ۱۳۸۲: ۶۹).

فهرست منابع و مراجع

۱. اردلان، نادر (۱۳۷۴)، «معماری ایران در سخن چهار نسل از معماران صاحب نظر»، **نشریه آبادی**، دوره ۵، شماره ۱۹.
۲. آلیاگونولسو، آدریانو (۱۳۸۴)، **معماری بومی**، ترجمه علی محمد سادات افسری، مؤسسه علمی و فرهنگی فضا، تهران.
۳. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۶)، **معماری و راز جاودانگی**، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۴. پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۶)، **سبک شناسی معماری ایرانی**، تدوین غلامحسین معماریان، انتشارات سروش دانش، تهران.
۵. تلخایی، حمیدرضا؛ علی شمعی؛ زهره داودپور و اصغر شکیبایی (۱۳۹۵)، «تحلیلی بر بافت‌های سنتی و جدید و ارائه شاخص‌های بومی برنامه‌ریزی توسعه شهری (مطالعه موردی: بافت تاریخی و شهرک امیرکبیر اراک)»، **فصلنامه شهر ایرانی - اسلامی**، سال ۷، شماره ۲۵، پاییز، ۷۱-۸۲.
۶. توسلی، محمود (۱۳۶۰)، **اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران**، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۷. جعفری، عاطفه و حامد ایمان طلب (۱۳۹۵)، «طراحی هنرستان هنرهای زیبا با رویکرد معاصر سازی الگوهای پایدار مدارس سنتی»، **مجله مطالعات جغرافیا عمران و مدیریت شهری**، دوره ۲، شماره ۴، ۶۲-۴۸.
۸. حائری‌مازندرانی، محمدرضا (۱۳۸۸)، **خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر**، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات برنامه‌ریزی شهری و معماری.
۹. حسین زاده، عباس؛ امیراحسان پویان و الهه سادات موسوی سروینه باغی (۱۳۹۲)، **هویت فرهنگ و سنت الگوی تدوین تعلق فضایی به خانه‌های ایرانی**، هشتمین همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار.
۱۰. دادخواه، مهدیار (۱۳۸۴)، **گذری در حوزه معماری بومی تهران**، نشر فضا.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، **لغت‌نامه دهخدا**، چاپ دوم، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۲. دیا، داراب (۱۳۷۸)، «الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران»، **نشریه معماری و فرهنگ**، دوره ۱، شماره ۱، تابستان، ۱۱-۹۷.
۱۳. راپاپورت، آموس (۱۳۸۸)، **انسان‌شناسی مسکن**، ترجمه خسرو افضلیان، حرفه هنرمند، تهران.
۱۴. زندی، کیهان (۱۳۹۳)، **بررسی وضعیت مسکن شهری (مطالعه موردی: شهر اصفهان دهه ۹۰-۲۰۱۰)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان.
۱۵. شمعی، علی (۱۳۸۹)، «نقش الگوهای شهرسازی سنتی در شهر سازی مدرن یزد»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره اول، پاییز، ۹۳-۱۰۵.
۱۶. ضرغام‌فرد، مسلم (۱۳۹۶)، **ارزیابی سیاست‌های مسکن از منظر تأمین نیاز گروه‌های هدف**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی کرامت‌الله زیاری، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا.
۱۷. طیبی، محسن (۱۳۸۶)، **بازتاب هویت ایرانی در معماری اسلامی ایران از هویت ایرانی؛ سلسله مقالات و گفتارهایی پیرامون هویت ایرانی**، انتشارات سوره مهر، ۳۶۹-۳۷۰.
۱۸. عینی فر، علیرضا (۱۳۸۲)، «الگویی برای تحلیل انعطاف‌پذیری در مسکن سنتی ایران»، **نشریه هنرهای زیبا**، شماره ۱۳، بهار، ۶۴-۷۷.
۱۹. فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۴)، **معماری بومی**، مؤسسه علمی و فرهنگی فضا، چاپ دوم.
۲۰. کلاتری خلیل آباد، حسین؛ سید امیر رضا نظام‌دوست و علی یاران (۱۳۹۸)، «تبیین الگوی کالبدی مسکن معاصر مبتنی بر معماری زمینه‌گرا در شهر کاشان (مطالعه موردی: خانه‌های تاریخی منتخب دوره قاجار)»، **فصلنامه شهر ایرانی - اسلامی**، دوره ۱۰، شماره ۳۸، زمستان، ۵-۲۰.
۲۱. کینگ، پیتر (۱۹۶۰)، **بنیان‌ها در مطالعات مسکن**، ترجمه ابوالفضل مشکینی، احمد پوراحمد و مسلم ضرغام‌فرد، انتشارات دانشگاه تهران (۱۳۹۸).
۲۲. گروت، لیندا و دیوید وانگ (۱۳۹۱)، **روش‌های تحقیق در معماری**، ترجمه علیرضا عینی فر، تهران: دانشگاه تهران.
۲۳. لنگ، جان (۱۳۸۶)، **آفرینش نظریه معماری: علوم رفتاری در طراحی محیط**، ترجمه علیرضا عینی فر، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. مشتاق‌گوهری، کامبیز Post date - ۲۰۱۷-۰۷-۰۸، **دکتری معماری و دانشیار گروه معماری دانشگاه سیستان و بلوچستان**.
۲۵. مشکینی، ابوالفضل و مسلم ضرغام‌فرد (۱۳۹۸)، **برنامه‌ریزی مسکن شهری با تگاهی به ایران**، انتشارات سمت، تهران.
۲۶. مهدوی نژاد، محمد جواد (۱۳۸۳)، «معماری پیشرو و ارتباط با گذشته: جستاری از منظر هویت بر آینده معماری کشورهای اسلامی»، **نشریه آبادی**، شماره ۴۶.
۲۷. مهدوی نژاد، محمد جواد و شقایق شهری (۱۳۹۳)، «معاصر سازی الگوی مسکن بومی تهران با کاربرد روش‌های مقداری»، **مجله هویت شهر**، شماره ۲۰، سال ۸، زمستان، ۴۸-۳۵.
۲۸. نقره‌کار، عبدالحمید؛ مهدی حمزه نژاد و آسان فروزنده (۱۳۸۸)، «راز جاودانگی آثار معماری (تحلیلی بر نگرش‌های نوگرا و فرانوگرا و رویکرد‌های فراگیر تر)»، **نشریه باغ نظر**، شماره ۱۲، سال ۶، پاییز و زمستان، ۴۴-۳۱.
۲۹. نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۹)، «ویژگی‌های کیفی مسکن مطلوب (مبانی طراحی و روش‌های تحصیل آن)»، **نشریه صفه**، دوره ۱۰، شماره ۳۱، پاییز و زمستان، ۹۰-۱۰۳.
۳۰. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۱)، **تأمینی در شناخت مبانی مسکن اسلامی ایرانی**، کتاب ماه هنر (۱۷۰)، ۵۵-۳۸.
۳۱. ناری قمی، مسعود و سجاد دامیار (۱۳۹۱)، «رویکردها به معماری بومی در نظریه پردازی مدرن معماری»، **نشریه شهر و معماری بومی**، شماره ۳، پاییز و زمستان.
۳۲. نصر، سید حسین (۱۳۷۵)، «هنر و معنویت اسلامی»، **فصلنامه هنر**، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، دوره ۷، شماره ۲۸، ۴۵-۵۲.
۳۳. هایدگر، مارتین (۱۳۸۱)، **شعر، زبان و اندیشه رهایی. انسان شاعرانه سکنی می‌کند**، ترجمه عباس منوچهری، تهران: انتشارات مولی.
۳۴. هدایت‌نژاد، محمود (۱۳۷۵)، «بهداشت روانی، فرهنگ آپارتمان‌نشینی»، **مجموعه مقالات دومین سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران**، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.
35. Ahmadi, V., Pilevaran, A., & Talebi, F. (2013), Residential House Desingning Conformity with Climate and Local Architecture. Architecture National Conference and Urban and Sustainable Development with Focus of Local Architecture Until Sustainable City, Mashhad, P 3-4.
36. Alpago Novello, A (2005), Vernacular Architecture - Introducing Vernacular Architecture, Its Meaning and Current Perspectives. (Sadat Afsari, A.M). Space Science and Cultural Institute, Second Edition. [Persian].
37. Allsopp, Bruce (1977), A Modern theory of Architecture. Routledge & Kegan Paul.



57. UN-HABITAT (2002), The Global Campaign on Urban Governance, <http://www.unhabitat.org/governance>.
58. Vellinga, Oliver, and Bridge (2007), Atlas of vernacular Architecture of the World, Oxon: Routledge.
59. Weataway, M.S. (2006), A longitudinal investigation of satisfaction with personal and environmental quality of life in an informal South African housing settlement,- Doornkop, Soweto, Habitat International, 30: 175-189.
38. Alexander, Cristopher (2010), The Timless Way of Building. Translated by Mehrdad Ghayyumi Bidhendi. Tehran: Shahid Beheshti University Publications.
39. Bachelard, G (1994) , The Poetics of Space. Boston: Beacon Press.
40. Fathi, H (2003), Architecture for People. (Ashrafi, A). Tehran: Art University, Tehran. [Persian]
41. Groat, Linda, and Wang, David (2009), Architectural Research Methods. ranslated by Alireza Einifar. Teh-ran: Tehran University Press.
42. Heidegger, Martin (1971), Poetry , Language, Thought, translated by Albert Hofstadter, Harper Colophon Books, New York, Pp.150–151.
43. Khalili , Nader (1991), Contemporary Architecture of Iran, Published in ARCHITECTS, www.calearth.org.
44. Lawrence, R. J. (2006), Learning from the vernacular: Basic principles for sustaining human habitats. In: As-quith, L. and Vellinga, M. (ed.), Vernacular archite-cture in the twenty-first century. Theory, education and practice. Milton Park, Abingdon: Taylor & Francis.
45. Melnikas, B (1998), Management and modernization of housing facilities: specific features of central and eastern European countries, Facilities, 16(11),326–333.
46. Oliver, Paul (1997), Encyclopedia of Vernacular Architecture of the World, vol 1, Cambridge university press.
47. Oliver, Paul (2003), Dwellings: The House Across the World, Oxford: Phaidon Press.
48. Patidat, Shikha (2014), Changes in Culture and Architecture from Vernacular to Modern: M.P., India , Brishbhanlali Raghuwanshi, MArch [School of Plan-ning and Architecture, Bhopal, M.P., India]. 30th IN-TERNATIONAL PLEA CONFERENCE 16-18 December 2014, CEPT University, Ahmedabad.
49. Rappoport, Amos (2006), Vernacular design as a model system , in vernacular Architecture in the Twenty First Century : Theory, education and practice . Edited by: Lindsay Asquith and Marcel Vellinga, pp. 179–198,Taylor & Francis, UK.
50. Roels, Christine (2012), The Contemporary Debate on the Definition of Vernacular Architecture : an over-view, University of Helsinki Summer School. Introduc-tion to Conceptual History.
51. Rudofsky, B. (1964), Architecture without Architects, Doubleday and Company, Inc., Garden City, New York.
52. Roth , Leland M; Roth Clark , Amanda C (2014). Un-derstanding Architecture Its Elements, History, and Meaning, New York, London.
53. Rupa, Ar; Ganguly, T (2015), Role of Vernacular Ar-chitecture of India In Green Building Design–A Case Study of Pauni , International Journal on Recent and Innovation Trends in Computing and Communication, Volume:3 , Issue: 2
54. Short, J .R (2006), Urban theory; A Critical assess-ment, Routledge, New York.
55. Steadman, P(2008), The evolution of designs: biolog-ical analogy in architecture and the applied arts. Rev. Ed. [Originally published: Cambridge University Press, 1979]. Routledge. UK.
56. Torgersen, U (1987), Housing: the wobbly pillar under the welfare state. In B. Turner, J. Kemeny & L. Lund-qvist (Eds.), Between State and Market: Housing in the Post-industrial Era, Stockholm: Almqvist and Wik-sell, 116–126.

Explaining an Enduring indicators of Iranian vernacular housing using Grounded theory

Marjaneh Najjarnejad Mashhadi

Ph.D. Student in Architecture, Faculty Member of Arts and Architecture Department, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran.

Khosro Afzalian *(Corresponding Author)

Assistant Professor, Faculty Member of Arts and Architecture Department, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran.

* E-Mail: khosrow.afzalian@gmail.com

Mahdi Sheybani

Profesor, Faculty Member of Architecture and Urban Planning Department, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Seyed Moslem Seyedalhoseni

Associate Professor, Faculty Member of Urban Planning Department, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran.

Abstract:

Today, by vanishing of vernacularism from Iranian houses, buildings can be seen that are far from the traditional and vernacular values of housing and thus, the vernacular values in housing have been ignord. On the other hand, housing and residential areas, as an important subject of architecture related to humans, must meet the various needs of human beings. Therefore, the present qualitative research, recognizing the sensitivity of the housing issue and the quality degradation of contemporary housing, considers the necessity of paying attention in this field based on the conceptual values considered in indigenous architecture. And the Grounded theory has been done with the aim of presenting vernacular indicators in housing using the Glaser approach. This applied research is a descriptive-analytical method using documentary and library studies. For this purpose, the critical points of the definitions of "experts familiar with the vernacular field" are purposefully selected and the data are analyzed simultaneously using MAXQDA10 software as a set of open, selective and theoretical codings and Enduring indicators in the vernacular housing architecture of Iran were introduced. The results and findings show in a comparative way there is a significant relationship between the adapted concepts of vernacular and traditional architecture and some traditional conceptual indicators, or in other words: a positive correlation. Accordingly, by matching traditional ideas with vernacular concepts and matching the two with traditional indicators, enduring vernacular indicators were achieved. Also, according to their definitions and functions, vernacular architectural concepts were classified into four main dimensions: contextual, Causal conceptual, Causal behavioral, and symbolic.

Keywords: vernacular architecture, traditional architecture, Enduring indicators, vernacular housing, grounded theory.